

پیام اعلیحضرت برای ارتشیان

امیر فیض- حقوقدان

اعلیحضرت در مصاحبه با تلویزیون «من و تو» از نیروهای انتظامی و شبه نظامی ایران خواستند که تکلیف خودشان را با مردم روشن کنند.

اگر یک نفر از کسانی که پیام اعلیحضرت را دریافت کند متقابلاً سوال کند که پیام دهنده کیست و از چه جایگاهی این پیام التماسی را فرستاده اند و صلاحیتشان در ارسال این پیام چیست، ما چه جوابی داریم؟ اگر آنکس سوال کند که آیا پیام دهنده به تکلیفی که درسوگند نهم آبان ایفای عهد کردند، تاکنون عمل شده است؟ کسیکه در مقابل تکلیف قانونی خودش کاهل است چگونه برای ما ارتشیان که در قالب ساختار یک نظام سختگیرانه مقید هستیم تعیین تکلیف میفرمایند، ما چه جوابی داریم.

پیام خطاب به برادران نظامی وقتی موثر و کارساز است که از جایگاه ولیعهد قانونی ایران و در مقام پادشاه خطاب به برادران نظامی خود پیامی میفرستادند، چراکه یک کشش قلبی و اعتبار و اعتماد سنتی بین شاه و همه افراد کشور خاصه ارتشیان وجود دارد که از فرهنگ و سنت و باورهای ایرانی جوشش یافته است، و این جوهر وجودی نماد ملی فقط در شخص رضا پهلوی است که بموجب سنت پادشاهی و قانون اساسی پادشاه قانونی کشور است و تمام قدرت های مادی و معنوی و قانونی متمرکز در اختیارات ایشان است.

پیام اعلیحضرت متأسفانه از موقعیتی صادر شده است که از تمام قدرتهای مادی و معنوی و قانونی سلطنت بی بهره است و لاجرم هیچ تاثیر اجرایی در نیروهای مسلح نخواهد داشت. اعتبار این بیانیه و یا درخواست در حد درخواست یک شهروند عادی است و چون مانند برف به فراموشی کشیده خواهد شد اثرات منفی آن نمیتواند نسبت به اصل موضوع زود گذر باشد.

گرایشهای قوای نظامی

نمیتوان از افراد نیروهای نظامی خواست که به مردم به پیوندند و یا با حکومت مخالفت کنند؛ این نوع مخالفتها بعلت موقعیت سازمان افراد نیروهای نظامی خیلی بسرعت سرکوب میشود، و اگر هم سرکوب نشود نیروی کارسازی برای مخالفین نیست.

نیروی کارساز در انشعاب، نیروهای نظامی فرماندهانی هستند که امکانات اجرایی یعنی نیروهای مسلح نظامی و تدارکات و ظرفیت های مالی همراه شخصیت های نظامی را دارند؛ آنها باید از سینه نیروهای انتظامی جدا شوند و در کنار ویا در صدر مخالفین حکومت قرار گیرند.

یک فرماده سپاهی و یا ارتشی محال است که خود بخود آن موقعیت اداری و نظامی خورا فدای دعوت یک ایرانی برای پیوستن به تظاهرات از دست بدهد، مگر آن فرمانده نظامی قاصد به کودتا بنفع خودش باشد.

در این قبیل موارد فرماندهی که بخواد تمام موقعیت های خورا از دست بدهد به تضمین هائی امید می بندد و این تضمین ها چیزی نیست که جز از عالی ترین مقامات که هم دارای موقعیت

معنوی و قدرت قانونی است به آن فرمانده داده شود و این موقعیت تنها از آن **اعلیحضرت در جایگاه تاریخی** است نه امثال بنده و یا شهروندان که هرروز یک سازی را مینوازند (به جریان شورش ۵۷ و پیوستن ارتشیان به شورشیان نگاه کنید - سرلشکر ناظم درروزنامه اطلاعات اعلام کرد که حاضر است اسرار ارتش را در اختیار خمینی قرار دهد).

اعلیحضرت در مصاحبه های سابقه فرمودند **<ارتشیان بیشتر از هرکس از من فرمانبرداری میکنند>**

اگر چنین است؛ همین فرمانی که در مصاحبه با «من و تو» از سوی رضا پهلوی داده شده باید کافی باشد که بیشتر ارتشیان از بدنه ارتش جمهوری اسلامی جدا شوند و بقول اعلیحضرت تکلیف خودشان را با مردم روشن کنند.

ولی می بینیم و خواهیم دید که این خواسته اعلیحضرت کوچکترین تحول فکری و عملی در نیروهای مسلح ارتش بوجود نخواهد آورد... چرا؟

زیرا ذاتا و قلبا همه مردم ایران خاصه نظامیان ایران به شاه وفادارند و فرمان شاه را فرمان خدا میدانند و متعاقبا آنها بغیر از شاه کسی را فرمانده واقعی خود نمیدانند (فرهنگ ایرانی).

پیام های اعلیحضرت مادامی که از جایگاه یک فرد ایرانی صادر میشود اثر اجرایی و یا التفاتی آن در جامعه ایرانی در حد صفر است؛ خاصه که فرمایشات و پیامها از جایگاه فکری و اعتقادی واجد احترامی هم نیست.

در مصاحبه با تلویزیون «من و تو» بدرستی اصلاح طلبان مورد محکومیت اعلیحضرت قرار گرفتند در حالیکه همین اصلاح طلبان تحت عنوان جنبش سبز آنچنان مورد حمایت اعلیحضرت قرار گرفتند که اعلیحضرت بعنوان خط مقدم دفاع از آن بی سیرتان گردید. نبود خط اعتقادی صحیح و استوار بر نص و متقابا نموج نظر و بیان این فکر را برای مخالفین جمهوری اسلامی در پیوستن به در خواست اعلیحضرت ایجاد میکند که قدری صبر لازم است زیرا ایشان ممکن است توجه و علاقه سیاسی خودشان را همانطور که نسبت به اصلاح گرایان تغییر دادند اکنون هم بعد از گذشت زمانی آنرا تغییر دهند.

این ضایعه بزرگ و جبران نشدنی از این جهت چون هاله های نامانوسی بر بیانات اعلیحضرت مستولی است؛ زیرا متاسفانه اعلیحضرت در شاهراه سوگند سلطنت قرار ندارند و کوششی هم مشاهده نمیشود که ایشان برای رفع تحمیل تحریم های سیاسی وزارت خارجه آمریکا (طرح هنری پرشت) حتی بصورت علاقه به منصفه ظهور رسانده باشند.

مردم، مردم

اعلیحضرت در مصاحبه مزبور جایگاه خاصی برای مردم قائل شده اند توجه اعلیحضرت به مردم کاملا درست است ولی این التفات مربوط به شرائط عادی است و در مواقع استثنائی همانطور که جامعه شناسان و از جمله دکتر مصدق گفته است همه چشمها به سوی شاه است، و در شرائط مزبور مانند هم اکنون با نبود شاه و رهبری شاه، مردم، مردم نیستند بلکه مشتی سرگردان و بی تصمیم هستند.

ولیعهد کجائی

شعار ولیعهد کجائی که در تظاهراتها بمیان آمد واجد توجه مردم به حقانیت تداوم سلطنت است و الا بعد از ۴۰ سال چه ولیعهدی. و این بدان معناست که مردم پادشاهشان را صدا میکنند، پاسخ این صدای مردم یک تحول اساسی است که در نهم آبان سال ۵۹ آغاز شد و پس از ۵ سال در اثر تحمیل تحریم های سیاسی آمریکا متوقف شد و اکنون اعلام آن است یعنی تصدی به اعمالی که درسوگند سلطنت اتیان فرموده اند.

اعلیحضرتا

همواره لحظاتی بسیار کوتاه وزود گذراست که میتوان با تصمیماتی که گرفته میشود جریانی را بوجود آورد و یا از جریانی جلوگیری ویا بر جریانی مسلط شد و آنرا هدایت کرد، این جریان اکنون پیش روی اعلیحضرت قرار گرفته است از آن استفاده کنید که حساس ترین دقایقی است که میتواند عملا تحریم سیاسی اعلیحضرت را متوقف ویا دگرگون سازد.